

## نظری به نقشه‌های قدیمی ایران

نویسنده و محقق معروف انگلیسی روبرت برتون (Robert Burton) که در نیمه اول قرن هفدهم می‌زیسته، در کتاب معروف خود «کالبد شناسی افسردگی» (*The Anatomy of Melancholy*) می‌نویسد: «یکی از راههای رفع افسردگی و استراحت فکری نگاه کردن به نقشه‌های جغرافیایی است.» شاید به این ملاحظه که نقشه‌های جغرافیایی فکرشخص را از محیط محدود خود فراتر می‌برد و متوجه دنیایی وسیعتر می‌سازد. هرچند شخص به یک صفحه کوچک نگاه می‌کند، در عالم اندیشه دنیای بزرگی را می‌بیند. علامتهای قراردادی که روی نقشه ترسیم شده است، جنگلهای انبوه و بیابانهای خشک و کوههای سر به آسمان کشیده و رودخانه‌های خروشان و دریا‌های بی‌پایان را در نظرش مجسم می‌سازد. بنابراین مشکلات خصوصی و محلی، در مقابل عظمت جهان، کوچک می‌نماید و فکر شخص آرام می‌گیرد.

نقشه قدیمی دارای مزایای اضافی دیگری نیز هست. ولی قبل از ذکر این مزایا باید تعریف ساده و کوتاهی از «نقشه قدیمی» به دست بدهیم.

### تعریف نقشه قدیمی

منظور از نقشه‌های قدیمی آن دسته از نقشه‌های جغرافیایی است که تا اواخر قرن نوزدهم منتشر شده است. در زبان فارسی کلمه «نقشه» معادل کلمه انگلیسی map [نقشه جغرافیایی] و در عین حال کلمه plan [طرح] است. برای دوری از اشتباه، علم تهیه و ترسیم نقشه‌های جغرافیایی (Cartography: map-making) را «نقشه‌نگاری»

نامیده‌اند، و تهیه کنندگان چنین نقشه‌هایی را (cartographer: map-maker) نقشه‌نگار گفته‌اند، که با نقشه‌کشی و نقشه‌کش متفاوت باشد.

نقشه‌های قدیمی مخلوطی از اطلاعات جغرافیایی و توضیحات تاریخی و فرهنگی و تصاویر هنری است. به عبارت دیگر علم و فرهنگ و هنر در این نقشه‌ها بهم آمیخته است. بدین ترتیب اولین مرتبه ویژه نقشه‌های قدیمی آن است که می‌تواند یکی از پایه‌های مهم جغرافیای تاریخی و فرهنگی باشد.

نقشه‌های قدیمی به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود.

#### نقشه‌های دست‌نگار

دسته اول نقشه‌های دست‌نگار (manuscript maps) است. معمولاً از هر نقشه دست‌نگار تنها یک نسخه وجود دارد، چه نقشه‌نگارانی که این نقشه‌ها را رونمایی کرده‌اند، هر یک مطابق ذوق و سلیقه هنری خویش تغییراتی، اگرچه جزئی، در آنها داده‌اند. حتی رونویسان کتابهای خطی نیز غالباً رعایت امانت را نکرده‌اند. حافظ شناسان می‌دانند که این رونویسان چگونه در هر رونویسی، اشعار حافظ را مطابق ذوق ادبی خود تصحیح کرده و بعضی الفاظ شاعر را تغییر داده‌اند. نقشه‌های دست‌نگار مربوط به قبل از دوران چاپ، یعنی پیش از قرن شانزدهم است، و بیشتر منضم به کتابهای خطی جغرافیا، و یا سفرنامه‌های قدیمی است. آنچه از این نقشه‌ها باقی مانده است معمولاً در موزه‌ها و کتابخانه‌های معتبر دنیا نگاهداری می‌شود، و مورد استفاده عمومی نیست. در سالهای اخیر تعداد قابل ملاحظه‌ای از چاپهای عکسی (facsimile) این نقشه‌ها منتشر شده و در دسترس همگان قرار گرفته است.

#### نقشه‌های چاپی

دسته دوم نقشه‌های چاپی است. یوهانس گوتنبرگ (Johannes Gutenberg) ماشین چاپ خود را در اواسط قرن پانزدهم در آلمان به ثمر رسانید، و موفق شد که کتاب انجیل را در سال ۱۴۵۵، بعنوان اولین کتاب، چاپ کند. انجیل مزبور در کتابخانه گوتینگن (Gottingen) آلمان محفوظ است. هفده سال بعد، یعنی در سال ۱۴۷۲ اولین نقشه، از نوع تی و او (T&O) که معنی آن را بعداً توضیح خواهیم داد، در شهر آگسبورگ (Augsburg) آلمان چاپ شد. ولی اولین ردیف قابل ملاحظه نقشه‌های چاپی را باید مربوط به کتاب «جغرافیای بطلمیوس» (Geographia of Claudius Ptolemy) دانست که به زبان لاتین در سال ۱۴۷۷ در بولونیای (Bologna) ایتالیا منتشر شد، و از آن تاریخ نقشه‌های جغرافیایی بتدریج در دسترس

عمومی قرار گرفت. نقشه‌های قدیمتر حاوی اطلاعات جغرافیایی محدودتر و تصاویر هنری و فرهنگی بیشتری است. با گذشت زمان که اطلاعات جغرافیایی فزونی می‌یابد، تصاویر هنری کمتر می‌شود، تا نیمه دوم قرن نوزدهم که از این تصاویر دیگر اثری باقی نمی‌ماند. بنابراین نقشه‌های قدیمتر، هم به علت قدمت، و هم به علت تصاویر زیبا، دوستداران بیشتری دارد، و ارزش آنها بالاتر است، و این دومین برتری ویژه نقشه‌های قدیمی نسبت به نقشه‌های جدیدتر است.

در یکی دو دهه اخیر، بسیاری از مدیران مؤسسات مالی و اداری و صنعتی و فرهنگی، مخصوصاً در ممالک پیشرفته، یکی از همین نقشه‌های قدیمی را، که مناسب یافته‌اند، قاب کرده زینت دفتر خود ساخته‌اند، چه خرید تابلوهای نقاشی اصیل، حتی اگر کار هنرمندان گمنام باشد، امروزه برای کمتر کسی از نظر مالی امکان‌پذیر است. دانشجویان برای ترین اطاقهای ساده خود علاقه خاصی به چاپ عکس نقشه‌های قدیمی نشان می‌دهند. در جای دیگر این مقاله به سایر گروههایی که دوستداران جدی نقشه‌های قدیمی هستند، اشاره خواهد شد.

نقشه‌هایی که در قرن بیستم چاپ شده است بندرت ارزش‌ترینی دارد، و از نظر اطلاعات جغرافیایی بعد از گذشت چند سال کهنه می‌شود.

نقشه‌های کامپیوتری.

در سالهای اخیر نقشه‌های کامپیوتری نیز معمول شده است. برای تهیه این نوع نقشه، اطلاعات وسیع جغرافیایی را که از عکسبرداری با ماهواره‌های فضایی و بعضی روشهای دیگر به دست می‌آید در یک صفحه کامپیوتری (Computer Disc) ذخیره می‌کنند. تمام اطلاعات مربوط به یک کشور بزرگ را می‌توان در صفحه‌ای به قطر چند سانتیمتر جای داد. این صفحه با نرم افزار (Software) مخصوصی کار می‌کند. برای استفاده، باید اول با فشار تکه‌ای «صورت امکان‌انات» (Menu) را روی صورت کامپیوتر ظاهر کرد. فرض کنیم صفحه مورد نظر مربوط به کشور ایران است. اگر طالب نقشه رودخانه‌های ایران باشیم با فشار تکه‌ای دیگر، طبق صورت امکان‌انات، نقشه ایران را با رودخانه‌های آن روی صورت کامپیوتر می‌آوریم. با فشار تکه مخصوص دیگری می‌توان اسامی رودخانه‌ها را به فارسی یا لاتین و یا هر دو، به نقشه اضافه کرد. به همین نحو، با فشردن تکه‌های مناسب دیگر، می‌توان نقشه کوهها، راهها، راه‌آنها، شهرها، بندرها، مراکز معدنی و صنعتی و کشاورزی و یا ترکیبی دلخواه از آنها را روی صورت کامپیوتر آورد، و مقیاس نقشه را نیز، بنا بر نیازی که داریم، تغییر داد. هر بار، نقشه‌ای را

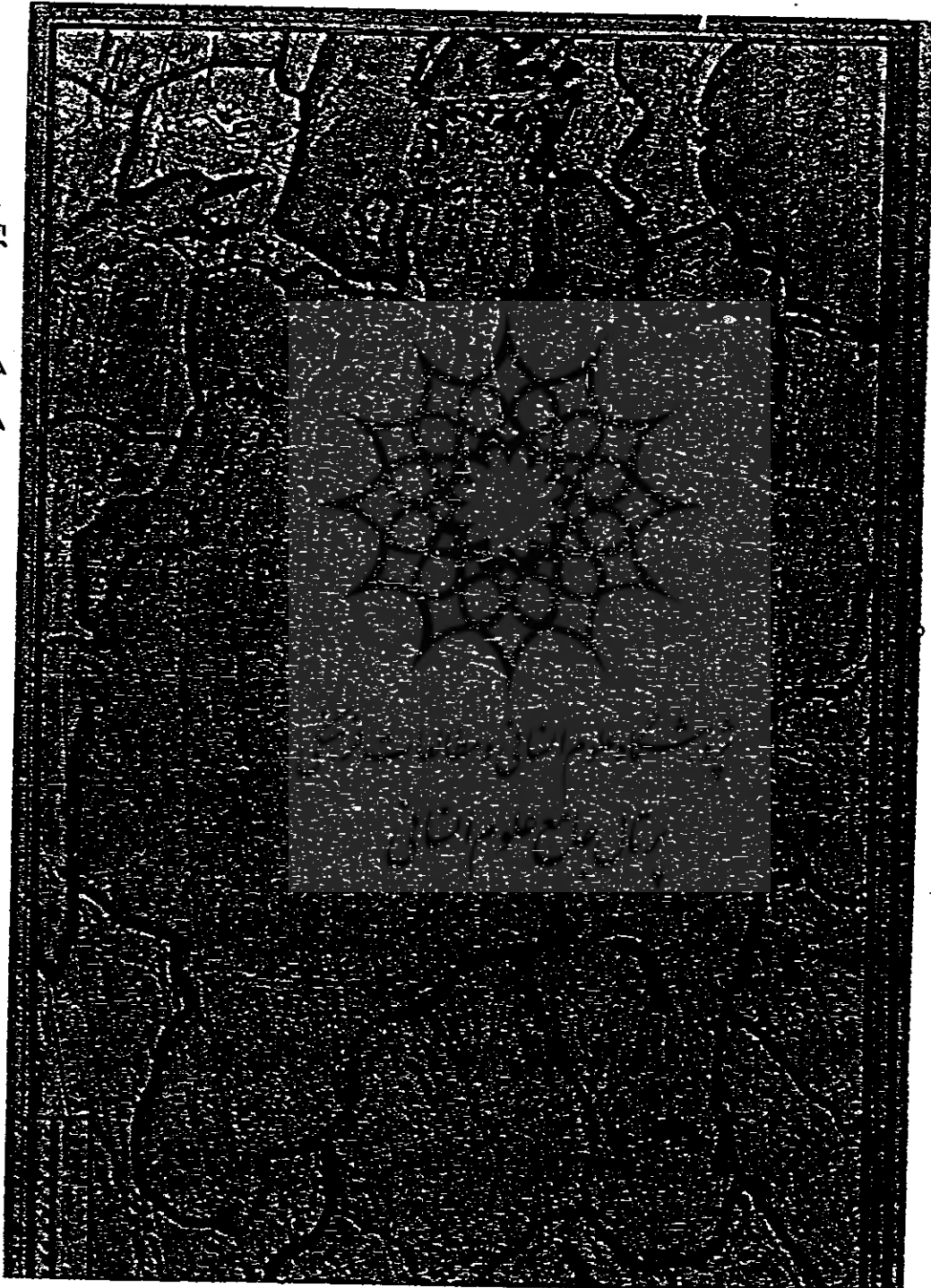
که روی صورت کامپیوتر ظاهر شده است، می‌توان با چاپگر (Printer) نقطه‌ای، و یا چاپگری که با اشعه لیزر (Lazer) کار می‌کند، روی کاغذ چاپ کرد. با این روش می‌توان صدها، و بلکه هزارها نقشه مختلف را از صفحه‌ای واحد استخراج نمود. این روش برای طرحهای کشاورزی و صنعتی و اجتماعی و اقتصادی و دفاعی بسیار مناسب و مفید است. از آن‌جا که اطلاعات فیزیکی جغرافیایی، مانند اطلاعات توپوگرافی (Topography) بوسیله عکسبرداریهای ماهواره‌ای در صفحه ذخیره شده است، می‌توان بعضی از این نقشه‌ها را، مانند نقشه کوهها و دره‌ها، به صورت سه بعدی (Perspective) روی صورت کامپیوتر آورد، و آن را در جهات مختلف یک جا حرکت داد، بمانند آن که خود سوار هلیکوپتری شده باشیم، و در عمق دره‌ها و مقابل کوهها به چپ و راست و بالا و پایین حرکت کنیم. با این روش می‌توان حتی دهانه تونلها و غارها و ساختمانهایی را که در دل کوهها پنهان است، دید، و روی نقشه آورد. با آن که روشهای جدید نقشه‌نگاری ارزش جغرافیایی نقشه‌های قدیمی را بکلی از بین برده است، ولی از ارزش تاریخی و فرهنگی و هنری آنها چیزی نکاسته است.

#### نقشه‌نگاران ایرانی

هدف اصلی این مقاله اشاره به نقشه‌های قدیمی چاپی ایران است، ولی قبل از آن باید چند کلمه‌ای درباره نقشه‌های دست‌نگار گفته شود، زیرا نقشه‌نگاران شرقی، و از جمله ایرانی، در دوران نقشه‌های دست‌نگار شکوفا بوده‌اند و نامی از خود به یادگار گذارده‌اند.

ایرانیان، برخلاف برداشت معدودی از گزارشگران غربی، مردمی یک بعدی نبوده و نیستند. کشاورزی ایران در پسته خلاصه نمی‌شود، و هنرهای دستی‌اش با فرش و خاتمکاری خاتمه پیدا نمی‌کند، و فرهنگش فقط شعر و ادب نیست. ایران را باید بالقوه کشوری همه‌جانبه دانست. البته در بعضی از رشته‌های کشاورزی، مانند تولید میوه، و در پاره‌ای از صنایع دستی مانند فرش‌بافی و کاشیکاری، و در برخی از شاخه‌های هنری مانند مینیاتور و خط‌نویسی و تذهیب، و بالاتر از همه در شعر و شاعری ایرانیان از قدیم جلوه خاصی داشته و در سراسر عالم شناخته شده‌اند. شاید به همین علت، هر وقت دوستداران ایران خواسته‌اند این کشور را در سطح جهانی معرفی کنند، به این نقاط قوت تکیه کرده‌اند، تا آن‌جا که بتدریج این سوءتفاهم برای بعضی از جهانیان، و حتی ایرانیان، پیش آمده است، که ما جز اینها چیز دیگری نداشته و نداریم که عرضه کنیم. در حالی که ایرانیان در رشته‌های بسیاری از صنایع و علوم و هنر، و از جمله در نجوم و جغرافی و

نقشه‌نگاری، در دورانهای متفاوتی درخشیده‌اند. بسیاری از این سوابق درخشان در غرب به نام پرشیا (Persia)، و یا معادل‌های دیگر این نام در زبانهای اروپایی، مانند پرس (Perse) و پرزین (Persien) ثبت شده‌است. نقشه‌های قدیمی این واقعیت را، بهتر از هر سند دیگری، به روشنی نشان می‌دهد. کلمه پرشیا بصورت پرسیدیس (Persidis) و یا پرمیس (Persis) از راه یونان و یونانیان به اروپا رسیده و در کتاب «تاریخ جنگهای ایران و یونان» تألیف هرودوت (Herodotus 484-520 B.C.) به دفعات ذکر شده‌است. هرچند که در بعضی از نقشه‌های قدیمی از قرن هجدهم به بعد، کلمه «ایران» نیز به چشم می‌خورد، ولی باید قبول کرد که تعداد این گونه نقشه‌ها بسیار کم و در مقابل عدد نقشه‌هایی که کشور ایران را «پرشیا» و دیگر معادل‌های اروپایی آن نامیده‌است، صرف نظر کردنی است. از جمله نقشه‌نگار گمنامی، که احتمالاً آلمانی بوده‌است، در سال ۱۷۴۰، نقشه تاریخی بسیار زیبایی از ایران تیموریان (۱۴۰۵) تهیه کرده و در آن فقط کلمه «ایران» را ذکر نموده‌است. نقشه‌نگاران دیگری نیز در قرون نوزدهم متوجه نام «ایران» شده و هر دو نام «ایران» و «پرشیا» را در نقشه‌های خود مذکور داشته‌اند. این راه حلی است که امروز نیز بیش از هر روش دیگری صحیح و مفید بنظر می‌رسد، چه از طرفی تأکید می‌کند که نام کشور به زبان محلی «ایران» است، و از طرف دیگر قبول می‌کند که ایران در زبانهای غربی «پرشیا» نامیده شده‌است، و نتیجه می‌گیرد که «ایران» همان «پرشیا» است با تمام سابقه درخشان تاریخی و فرهنگی و هنری‌اش. با حذف کامل نام «پرشیا» ارتباط ایران با گذشته درخشانش، حداقل در ذهن مردم عادی غرب، قطع خواهد شد. مردم غرب نتوانستند «ایران» و «پرشیا» را برهم منطبق سازند، و با شنیدن نام «ایران» سابقه طولانی فرهنگی قوم ایرانی را به خاطر آورند و برایشان احترامی را که شایسته آن هستند، قائل شوند. این احترام در سطح جهانی نه تنها در برخوردهای رسمی بین دولتها، بلکه در معاملات تجاری و مالی و در مبادلات فرهنگی و اجتماعی و جهانگردی، اثری مثبت و عمیق دارد. منتسکیو (Montesquieu) وقتی نام شخصیتی را جستجو می‌کرد که برای مردم فرانسه و اروپای قرن هجدهم محترم باشد، تا او بتواند بعضی از نظریات خود را از زبان آن شخصیت بیان کند، و با این ترفند، بر اساس قاعده «بین که می‌گوید» نظر موافق خوانندگان را آسانتر جلب نماید، پیر دانشمند و سالخورده ایرانی را انتخاب کرد. اما کلمه «پرس» را که معمول فرانسویان بود، به کار برد و کتاب خود را «نامه‌های پرسیان» (Lettres Persans) نامید، که ما «نامه‌های ایرانی» ترجمه می‌کنیم. این اثر بزرگ کلاسیک اروپایی از سال ۱۷۲۱ تا



تصویر ۱ - «نقشه امپراتوری ایران در عهد تیمور - ۱۴۰۵ م.» که به وسیله نقشه نگاری گننام و احتمالاً آلمانی در ۱۷۴۰ تهیه و در آن کلمه «ایران» (Iran) به عنوان نام کشور ثبت شده است.

کنون، یعنی طی دو یست و هفتاد سال گذشته، صدها بار، و شاید به تمام زبانهای زنده، منتشر شده، و احترام مردم دنیا را برای دانشمند سالخورده «پرس» برانگیخته است. با حذف نام «پرس»، طبعاً این سابقه احترام آمیز از دست می‌رود. دوستی می‌گفت که «نامه‌های ایرانی» دیگر افسانه شده و در دنیای امروز مورد توجه کسی نیست. گفتم به اسکناسهای تازه دو یست فرانکی فرانسه نگاه کن. روی اسکناس تمثال متسکیون نقش شده است و پشت آن، در میان زمینه‌ای شرقی که به صورت طرحی هندسی چاپ شده، نیم تنه پیر سالخورده و دانای ایرانی دیده می‌شود، که مشغول نوشتن همان نامه‌های ایرانی است. تمثال پیر مذکور شخص را به یاد نوابغی از قبیل بزرگمهر، ابن سینا، رازی و یا مولوی می‌اندازد. این اسکناسهای جدید، هزار هزار در دست مردم امروز فرانسه و اروپا در گردش است.

از جمله نقشه نگاران معدودی که هر دو اسم «ایران» و «پرشیا» را در قرن نوزدهم در نقشه‌های خود ذکر کرده‌اند می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

- راده فلا آلمانی (Carl Christian Franz Radefeld) که نقشه او از ایران در «اطلس بزرگ مایرز» (*Meyers Grosse Hand Atlas*) در سال ۱۸۴۶ در آلمان چاپ شده است.
- داور انگلیسی (J. Dower) که نقشه او در سال ۱۸۵۰ در لندن به طبع رسیده است.
- جرج فیلیپ و پسر (George Phillip & Son) اهل لیورپول انگلستان که نقشه آنان در ۱۸۵۶ در انگلستان چاپ شده است.
- جانستون انگلیسی (Keith Johnston) که نقشه او در سال ۱۸۸۰ به طبع رسیده است.
- هابه‌نیشت و هانه‌من آلمانی (H. Habenicht & F. Hanemann) که نقشه آنان در سال ۱۸۸۱ در «اطلس اشتیتر» (*Stieler's Hand Atlas*) چاپ شده است.

بحث بالا ما را از اصل مطلب دور کرد. منظور ذکر این نکته بود که ایران، نقشه‌نگاران نامداری در دوران «دست‌نگاری» پرورده و تحویل جهان داده است، و آن نقشه‌نگاران در زمان خود ستاره‌های درخشانی بوده‌اند. با مراجعه به فرهنگهای مختلف ایران، مانند لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و تاریخ ادبیات در ایران صفا، متأسفانه ملاحظه می‌شود که از این افراد به اشاره مختصری گذشته‌اند. احساس من، غلط یا صحیح، این است که حق این افراد، چنان که باید و شاید ادا نشده است. امیدوارم استاد پرکار دکتر

یارشاطر در شاهکار خود «ایرانیکا» (*Encyclopaedia Iranica*) به این آسانی از این افراد نگذرد.

در این مقاله کوتاه فقط فرصت آن است که به بعضی از این نقشه‌نگاران، به اختصار اشاره شود، یعنی به افرادی که علاوه بر تسلط به علم جغرافیا، شخصاً به ترسیم و تهیه نقشه پرداخته‌اند و نه جغرافیدانانی که از روی نوشته‌های آن، بعداً نقشه‌نگارانی به تهیه و یا به اصطلاح «نوسازی» نقشه دست زده‌اند (reconstruction)، و بعضی این گونه نقشه‌ها را با نقشه‌های اصیل اشتباه گرفته‌اند.

قرن دهم تا سیزدهم (چهارم تا هفتم ه.ق.) را دوران شکوفایی «مکتب جغرافی کلاسیک ممالک اسلامی» نام نهاده‌اند. این مکتب با کارهای ابن خردادبه و جیهانی و بلخی شروع می‌شود، و در ایران بوسیله اصطخری [نام «اصطخری» در کتابهای او و رساله‌های مربوط به او با «ص» و «ط» نوشته شده است، و چون اسم خاص است، ما نیز به همین نحو نوشتیم] به اوج خود می‌رسد، و با تحقیقات و انتشارات خواجه نصیرالدین طوسی خاتمه می‌یابد.

#### اصطخری

ابواسحق ابراهیم بن محمد اصطخری، معروف به «فارسی» را باید بزرگترین جغرافیدان و نقشه‌نگار ایرانی دانست. به او «کرخی» نیز می‌گفتند. سال تولدش به درستی معلوم نیست، ولی مسلم است که در سال ۹۳۶ [۵۳۴۶ ه.] درگذشته است. او در شهر استخر فارس متولد شد، و از هند تا مغرب [مراکش] سفر کرد. کتاب صورالاقالیم از اوست. مهمترین اثر او مسالک و ممالک نام دارد و به زبان عربی نوشته شده است. این عنوان را باید به فارسی «خط سیرها و کشورها» ترجمه کرد. کتاب مسالک و ممالک بر پایه صورالاقالیم بلخی و اشکال العالم جیهانی تدوین شده و از همان اول دارای تعدادی نقشه رنگی جغرافیایی بوده است. خلاصه‌ای از این کتاب در قرن یازدهم یا دوازدهم بوسیله مترجمی گمنام از عربی به فارسی برگردان شده و همین ترجمه است که با مقدمه‌ای از ایرج افشار، از طریق بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ ش) در تهران انتشار یافته است.

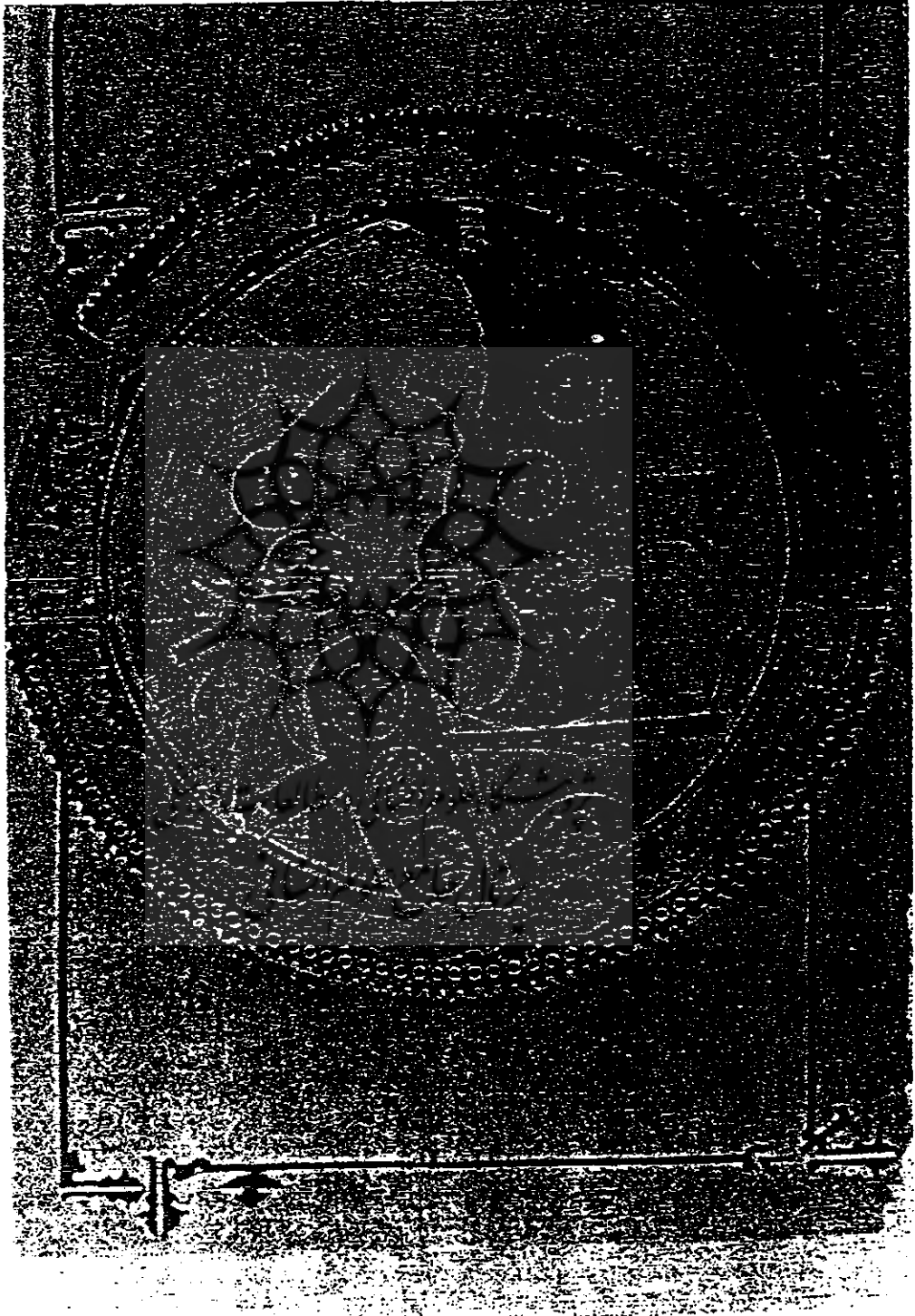
به نظر می‌رسد که همین ترجمه فارسی به دست مستشرق معروف انگلیسی ویلیام اوزلی (William Ouseley) رسیده باشد. اوزلی این کتاب را به اشتباه تحت عنوان «جغرافیای شرقی ابن حوقل» (*The Oriental Geography of Ibn Hawqal*) از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده، و در سال ۱۸۰۰ در لندن منتشر نموده است. این



مسأله مدت‌ها باعث سردرگمی مستشرقین بود، تا آن که کنراد میلر آلمانی (Konrad Miller) در سال ۱۹۲۶ متوجه شد که ترجمهٔ اوزلی مربوط به مسالک و ممالک اصطخری است و به صورت الارض این حوقل ربطی ندارد. علت اشتباه اوزلی احتمالاً این بوده است که کتاب «ابن حوقل» نیز ابتدا «مسالک و ممالک» نام داشته و بتدریج تکمیل و در چند نوبت منتشر شده و نام کتاب بعداً به صورت الارض تغییر یافته است. ضمناً بخش مهمی از کتاب ابن حوقل نقل جمله به جمله کتاب اصطخری است. پرفسور کرامرز هلندی (Prof. Kramers) در سال ۱۹۵۰ ضمن مقاله‌ای به این اشتباه اشاره کرده است. [برای شرح بیشتری در این مورد به مقاله نگارنده تحت عنوان «نقشه‌های قرون وسطایی و شرقی خلیج فارس» مراجعه شود].

اصطخری نقشه‌ای از جهان ترسیم نموده که از نوع نقشه‌های تی و او (T&O) می‌باشد. جغرافیای عتیق و یا بطلمیوسی بر این اصل استوار بود که زمین بصورت صفحهٔ مدوری است، و این صفحه در مرکز عالم قرار دارد، و ماه و خورشید و ستارگان و افلاک، همه، به دور آن می‌چرخند. این صفحه را بصورت دایره‌ای نشان می‌دادند که شیبه حرف ا (O) در خط لاتین است. خشکیها تقریباً تمام صفحه را پر می‌کرد و دورادور خشکیها را دریایی احاطه می‌نمود که بحر محیط نام داشت. از بحر محیط دو دریای مهم به داخل خشکیها منشعب می‌شد. یکی بحر روم (مدیترانه) بود، و دیگری بحر فارس (قسمت اعظم اقیانوس هند). انتخاب این دو نام برای دو دریای مهم آن روز، ناشی از اهمیت امپراطوری روم در غرب، و امپراطوری ایران در شرق بود. در این جغرافی تقسیم دنیا به سه قارهٔ اروپا، افریقا و آسیا معمول نبود، بلکه جهان به هفت اقلیم آب و هوایی تقسیم می‌شد. خاور نزدیک را «آسیای صغیر» و افریقای ماوراء مصر را لیبسی می‌نامیدند. یونان و روم و اندلس اسامی سرزمینهای شمالی بحر روم بود. چون بحر خزر را متصل به دریای محیط می‌دانستند، بحر فارس و بحر خزر و دریای روم شکلی شیبه تی (T) به وجود می‌آورد، که آسیا در بالا، اروپا در گوشهٔ چپ و افریقا در گوشهٔ راست آن قرار داشت. به این مناسبت نقشه‌های مذکور به نقشه‌های تی و او (T&O) مشهور است. تقسیم بندی دنیا به قاره‌ها بعداً بوسیلهٔ اروپاییان پیشنهاد و عملی شد.

متأسفانه نقشه‌های اولیهٔ اصطخری از بین رفته است، و یکی از قدیمی‌ترین رونگارهای موجود از نقشه‌نگاری گمنام و مربوط به سال ۱۱۹۳ (۵۸۹ هـ.) است، که در کتابخانهٔ لایدن هلند (Leiden) نگاهداری می‌شود. در این نقشه و در تمام نقشه‌های تی و او، جنوب در بالا، و شمال در پایین قرار دارد.



تصویر ۲ - جهان‌نمای اسطخری که به وسیله نقشه‌نگاری گننام در سال ۱۱۱۳ م. از روی نقشه اصلی اسطخری (۱۵۰ م) رونمایی شده و در کتابخانه دانشگاه لایپزگ هلد محفوظ است.

این ردیف نقشه‌ها بر اساس مقیاس ترسیم نشده است، و منظور اصلی ذکر نام شهرها و دریاها و کوهها و ترتیب قرار گرفتن آنها نسبت به یکدیگر است. این روش را می‌توان به نقشه‌هایی که ما برای تعیین نشانی منزل خود، با دست ترسیم می‌کنیم، و برای راهنمایی به دوستان و میهمانان خود می‌دهیم، مانند کرد. ما، برای تعیین آدرس، خیابانها و چهارراهها و میدانها را به ترتیبی که نسبت به یکدیگر قرار گرفته‌اند، ترسیم می‌نماییم و نام آنها را می‌نویسیم، ولی هرگز «مقیاسی» در نظر نمی‌گیریم.

در نقشه‌های مذکور از طول و عرض جغرافیایی، یعنی نصف‌النهارها و مدارها، اثری ملاحظه نمی‌شود. ولی همواره توضیحاتی برای فهم نقشه و تعیین فاصله‌ها، پیوست نقشه بوده است، و همین توضیحات است که به تدریج مفصل شده، و بصورت کتاب جغرافی درآمده، و اهمیت آن از خود نقشه‌ها بیشتر شده، تا آن‌جا که گاهی به حذف نقشه‌ها انجامیده است.

### بلخی

ابوزید احمد بن سهل بلخی اهل بلخ بود. او در سال ۸۵۰ متولد شده و در ۹۳۴ درگذشته است. بلخی در فلسفه و علوم دینی و هیأت و طب و علوم طبیعی دست داشته است. ولی شهرتش به علت تحقیقاتی است که در زمینه جغرافی انجام داده، و در کتاب صورالاقالیم و یا هویم البلدان منعکس کرده است. هر چند از این کتاب نسخه‌ای باقی نمانده، ولی کتاب مزبور پایه کارهای بعدی اصطخری و ابن حوقل بوده است. بنابراین باید بلخی را پیشاهنگ «مکتب جغرافی کلاسیک ممالک اسلامی» دانست. طبق گفته پرفسور دانلپ (Prof. Dunlop) کتاب بلخی شامل نقشه جهان آن زمان بوده، و او دنیا را به بیست اقلیم تقسیم کرده، و در مورد هر اقلیم توضیحاتی داده است. پرفسور کرامرز هلندی می‌نویسد که در جغرافی بلخی دیگر اقلیم به معنای منطقه آب و هوایی معمول در جغرافیای باستانی نیست، بلکه منظور منطقه‌ای است که ایرانیان آن را کشور می‌نامند، و واحد جغرافیایی معاصر است. پرفسور کرامرز ادامه می‌دهد: «روش نقشه‌های جغرافیایی بلخی روشی است کاملاً ایرانی که در کارهای اصطخری نیز منعکس است، و در کارهای ابن حوقل و مقدسی... به تدریج تغییر می‌کند.

### جیهانی

احمد بن محمد بن احمد بن نصر جیهانی ایرانی و وزیر نوح بن نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی بود. او از دانشمندان قرن دهم است. کتاب جغرافی جیهانی نیز ممالک و ممالک نامیده می‌شد. این کتاب مورد استفاده اصطخری و سایر جغرافیدانان

بعدی قرار گرفته است، و باید نسخه‌هایی از آن باقی مانده باشد.

### طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی از دانشمندان و سیاستمداران بزرگ ایران است، و در قرن سیزدهم، یعنی حدود سیصد سال بعد از نقشه‌نگاران ذکر شده قبلی، می‌زیسته است. رصدخانه مراغه را او بنیان نهاده و کتابهای متعددی، از جمله در زمینه جغرافیا، منتشر ساخته است.

طوسی نقشه‌ای از جهان ترسیم کرده، و توضیحاتی در متن نقشه به زبان فارسی داده است. همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، در نقشه‌های تی و ا، زمین در مرکز عالم و خاور نزدیک در مرکز زمین قرار داشته است. کلیسای مسیحی از این نوع نقشه‌ها حسن استقبال کرد، زیرا طبق آن، بیت‌المقدس کاملاً در وسط زمین قرار می‌گرفت و مرکز تمام عالم امکان محسوب می‌شد، و این فرضیه با عقیده «مطلق بودن مسیحیت» توافق داشت. به همین علت تا موقعی که کلیسا قدرت کافی داشت، یعنی تا دوره رنسانس نقشه‌نگاران جرأت ارائه نقشه‌های دیگری را نداشتند. طوسی در نقشه خود همین استفاده را برای عالم اسلام کرده و به جای بیت‌المقدس، مکه را بصورت دایره‌ای کوچک در مرکز زمین، و بنابراین در مرکز عالم، قرار داده است. طوسی با آن که سیصد سال بعد از بلخی و اصطخری و ابن‌حوقل می‌زیسته، در نقشه‌های خود اشتباهات زیادی دارد، و باید قبول کرد که در نقشه‌نگاری به پای اصطخری نمی‌رسد. به درستی معلوم نیست که نقشه‌ای که با خط فارسی از طوسی بجا مانده، همان نقشه اولیه او باشد. ولی شکی نیست که نقشه مزبور در قرن سیزدهم ترسیم شده است. این نقشه در کتابخانه ملی وین نگاهداری می‌شود.

از نقشه‌نگاران معروف عرب زبان، به جز المقدسی متولد قسطنطنیه (قرن دهم) صاحب کتاب الاقالیم و ابن سعید یا المغربی، شاعر و مورخ و جغرافیدان اندلسی (قرن سیزدهم)، دو ستاره درخشان «مکتب جغرافی کلاسیک ممالک اسلامی» یعنی ابن‌حوقل و ادریسی را باید ذکر کرد.

### ابن حوقل

ابن حوقل، اهل بغداد بوده و در نیمه دوم قرن دهم می‌زیسته است. او در سال ۹۴۳ سفرهای طولانی خود را به دورترین نقاط عالم اسلامی آن زمان شروع کرده و در سال ۹۵۰ با اصطخری ملاقات نموده و نقشه‌های خود را به اصطخری که استاد مسلم جغرافی و نقشه‌نگاری محسوب می‌شده است، نشان داده، و بر اساس توصیه‌های استاد،

نقشه های مزبور را اصلاح و تکمیل کرده است. کتاب مهم او، چنان که گفته شد، اول «مسالك و ممالک» نام داشت، و به تدریج تکمیل گردید، و نام کتاب به صورت الارض تغییر یافت. کتاب مزبور کاملترین کتاب جغرافی زمان خود [قرن دهم] محسوب است. سال انتشار این کتاب را، بصورت کامل و جامع، ۹۸۸ ذکر کرده اند. ابن حوقل در تهیه کتاب خود علاوه بر اصطخری، از ابن خردادبه و جیهانی نیز سود برده است. نظر او از نوشتن کتاب، مانند اصطخری و بلخی، ابتدا توضیح نقشه ها بوده است، ولی اطلاعات زیادی که او در ضمن سفرهای خود جمع آوری نموده بود، سبب شد که اهمیت نوشته ها از نقشه ها پیشی گیرد. کتاب صورت الارض ابن حوقل در سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵ ش) بوسیله دکتر شعار از عربی به فارسی ترجمه و از طرف بنیاد فرهنگ ایران نشر شده است.

#### ادریسی

ابوعبدالله محمد بن محمد الشریف الادریسی در سال ۱۱۰۰ در مراکش متولد شد، ولی بیشتر عمر خود را در جزیره سیسیل، در خدمت پادشاه وقت، راجر دوم، گذراند. جزیره سیسیل در آن زمان جزو قلمرو اسلام بود. ادریسی نقشه دنیا را روی صفحه بزرگی از نقره حک کرد، و این نقشه از بعضی جهات برتر از جهاننمای بطلمیوس بود. ادریسی، به امر راجر دوم، کتابی در توضیح جهاننمای خود، به زبان عربی نوشت. عنوان کتاب او نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق بود [اختراق به معنی گردش و سیاحت] که به «کتاب راجر» معروف شد و برای اولین بار در سال ۱۱۵۴ منتشر گردید. ادریسی در سال ۱۱۶۵ درگذشت، ولی کتاب او، مدتهای دراز کتاب درسی جغرافی باقی ماند. کنراد میلر آلمانی جهاننمای ادریسی را، از روی تکه نقشه های باقیمانده اصلی، در اوایل قرن بیستم نوسازی و چاپ کرد. ادریسی را باید درخشانترین ستاره مکتب جغرافی کلاسیک ممالک اسلامی دانست.

با طوسی و مغربی دوران سیمصد ساله شکوفایی این مکتب به پایان می رسد، و جغرافیدانان بعدی، در مقایسه با همتایان اروپایی خود، مخصوصاً در نقشه نگاری، در درجات پایینتری قرار می گیرند و بتدریج تحلیل می روند، به طوری که بعد از اختراع چاپ و انتشار نقشه های اروپایی در مقیاس وسیع، دیگر اثر مهمی از این مکتب ملاحظه نمی شود. کارهای حمدالله مستوفی، صاحب تاریخ گزیده و نزهة القلوب در قرن چهاردهم، و صادق اصفهانی، در قرن هفدهم، و امثال آنان، از نظر نقشه نگاری اهمیت چندانی ندارد.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نقشه‌هایی است که در قرن دوازدهم و سیزدهم از روی نقشه‌های سابق رونگاری شده است. به نظر می‌رسد که در این رونگاری اصلاحات قابل ملاحظه‌ای، با استفاده از اطلاعات جغرافیایی وقت، در نقشه‌های مذکور صورت گرفته باشد. کتاب جغرافیای بطلمیوس، در سال ۱۴۰۶، از یونانی به لاتین ترجمه شد، و چنان که گذشت، برای اولین بار، در سال ۱۴۷۷، در بولونیا به چاپ رسید. این مجموعه از همان اول، شامل نقشه‌ای از ایران بود که عنوان آن «نقشه پنجم آسیا» است. بنابراین قدیمی‌ترین نقشه چاپی ایران مربوط به سال ۱۴۷۷ است. این مجموعه، با تغییرات مختصری، سال بعد در رم، و پنج سال بعد در فلورانس، تجدید چاپ شد. دومین مجموعه را، که کاملتر از مجموعه اول بود و اطلاعات جغرافیایی جدیدی را در برداشت، هله [Holle] نخست در سال ۱۴۸۲ در اولم (Ulm) آلمان منتشر کرد. سومین مجموعه بطلمیوسی بوسیله نقشه‌نگار معروف آلمانی والدزه مولر (Waldseemüller)، نخست در سال ۱۵۱۳، در استراسبورگ (Strassburg) به طبع رسید. چهارمین مجموعه را مونستر (Munster)، نخست در سال ۱۵۴۰ در بازل (Basel) انتشار داد. پنجمین و آخرین مجموعه جغرافیا و نقشه‌های بطلمیوسی بوسیله مرکاتور (Mercator) که بعداً به او اشاره خواهیم کرد، برای اولین بار در سال ۱۵۷۸ در دویسبورگ (Duisburg) آلمان انتشار یافت، و تا سال ۱۷۳۰، با تغییرات جزئی، به دفعات به چاپ رسید. بنابراین مجموعه نقشه‌های بطلمیوسی از ۱۴۷۷ تا ۱۷۳۰، یعنی طی ۲۵۳ سال، دهها بار تکمیل و تجدید چاپ شد. نقشه ایران همیشه بعنوان «نقشه پنجم آسیا» و بدون ذکر نامی برای تمامی سرزمین ایران، جنسرو این مجموعه‌ها آمده است. مطالعه دقیق تحول و تکامل نقشه‌های بطلمیوسی ایران، در دوران ۲۵۳ سال مذکور، خود کاری است جداگانه که هنوز انجام نشده است. معلوم نیست به چه دلیلی بطلمیوس از اطلاق نام «پرشیا» و یا هر نام دیگری به تمامی سرزمین پهناور ایران، پرهیز کرده، و ایران را بصورت استانهای کوچک و جدا از هم نشان داده است. شاید علت این بوده باشد که در زمان حیات بطلمیوس، حکومت اشکانیان تجزیه شده بود (سال ۵۱ م.)، و استانهای ایران حالت کشورهای مستقل و کوچکی را یافته بود، و هریک با دنیای آن زمان جداگانه به داد و ستد می‌پرداخت، و این وضع تا سال ۱۲۲ م. یعنی طی دورانی معادل هفتاد سال ادامه داشت.

نکته قابل ملاحظه این است که قبل از بطلمیوس، هرودوت (Herodotus) نام پرسیس (Persis) را بعنوان نام تمامی کشور ایران به دفعات در نوشته‌های خود ذکر کرده است. در نقشه‌های بطلمیوسی استانهای ایران عبارتند از:



- آسوریا (Assuria)
- سوسیانا (خوزستان) Susiana
- مدیا (پایتخت آن اکیاتان یا همدان) Media
- هیرکانیا (بحر خزر نیز به همین نام خوانده شده است) Hyrcania
- پارتیا (خراسان) Parthia
- پرسیدیس (فارس که پایتخت آن پرس پولیس بوده است) Persidis; Persis
- کارمانیا (کرمان) Carmania

نقشه‌نگار دیگری از ایتالیا به نام گاستالدی (Gastaldi) در سال ۱۵۴۸ نقشه بطلمیوسی ایران را جزو «اولین اطلس کوچک جیبی» منتشر کرد. این نقشه را باید اولین نقشه غربی ایران دانست که در آن «پرشیا» به عنوان نام کل کشور بکار رفته است.

#### روشهای مختلف چاپ نقشه

در سابق کاغذ را از مخلوط یا ملقمه‌ای که از پختن تکه پارچه‌های سفید و کهنه به دست می‌آمد، تهیه می‌کردند. بدین ترتیب که غربالی به شکل مربع مستطیل، با تارهای روده‌ای یا مسی، وارد مخلوط می‌نمودند. تارهای غربال لایه‌ای از مخلوط را به خود می‌گرفت. سپس غربال را از مخلوط خارج کرده، مدت کمی بالای آن نگاه می‌داشتند، تا آب اضافی لایه به مخلوط برگردد. بعد آن را روی میز چوبی تکیان می‌دادند. لایه از غربال بصورت ورق جدا می‌شد. ورق را که بعد از چند دقیقه کمی خشک شده بود، از روی میز برمی‌داشتند، و با گیره به ریسمانی می‌آویختند، تا کاملاً خشک شود. ضخامت این ورق یکنواخت نبود، و هیچ دو ورقی کاملاً شبیه هم نبود. اثر تارهای غربال روی ورق به آسانی دیده می‌شد. دو مشخصه بالا، یعنی یکسان نبودن ضخامت کاغذ و اثر تارهای غربال، خود راهی ست برای شناسائی نقشه‌های اصیل قدیمی.

برای چاپ نقشه از لوحه حکاکی شده استفاده می‌کردند. ابتدا لوحه چوبی معمول بود. هر چه چوب سخت‌تر بود، عمر آن بیشتر بود. تصویر (نقشه) را بصورت آینه روی لوحه (صفحه چوبی) رسم می‌کردند، و قسمتهایی را که قرار بود مرکب نگیرد، با ابزار ساده، حکاکی می‌نمودند. بعد لوحه چوبی را با استوانه‌ای به مرکب آغشته می‌ساختند. سپس ورق کاغذ را نم می‌زدند، و آن را، بوسیله پیرس چاپ، روی لوحه می‌فشرده‌اند. آن‌گاه کاغذ را از لوحه جدا کرده، برای خشک شدن می‌آویختند. این اعمال که می‌بایست با دقت و مهارت کامل انجام شود، گاهی چند ساعت طول می‌کشید.

لوچه‌های چوبی از سال ۱۴۵۰ تا ۱۵۵۰ متداول بود. مقارن همان سالها، استفاده از لوحه مسی نیز معمول شد. تفاوت لوحه مسی با لوحه چوبی آن بود که تصویر را می‌بایست مستقیماً روی لوحه حک کرد. قسمت‌های حک شده (گود) مرکب می‌گرفت، و این مرکب که مقدار آن خیلی بیشتر از مرکب صفحه چوبی بود، روی کساغذ نم‌دار می‌نشست و مانند چاپ برجسته، بعد از خشک شدن، زیر انگشت قابل لمس بود. از سال ۱۵۵۰ مصرف لوحه‌های چوبی متروک شد، و لوحه‌های مسی جای آن را گرفت. مصرف لوحه مسی تا حدود سال ۱۸۰۰ ادامه داشت.

پریم‌های چاپ یا از نوع فشاری ساده بود که برای چاپ نقشه‌های کوچکتر به کار می‌رفت، و یا فشاری استوانه‌ای که برای چاپ نقشه‌های بزرگتر معمول بود و فقط با لوحه مسی کار می‌کرد. تصویر روی لوحه چوبی یا مسی بعد از مدتی به اصطلاح خورده می‌شد، و دقت خود را از دست می‌داد. در این وقت حکاکها، با ابزار، دوباره به‌چان لوحه می‌افتادند، و قسمت‌های حکاک‌کی شده قدیمی را عمیقتر می‌کردند، و لوحه را مجدد برای مدتی قابل استفاده می‌ساختند.

در مورد لوحه مسی امکان آن وجود داشت که پس از چندی، به ملاحظه‌ای، قسمتی از آن را بردارند و به جای آن قسمت جدیدی بگذارند. بدین ترتیب می‌توانستند بدون آن که لوحه را تعویض کنند، اطلاعات جدید جغرافیایی را جایگزین اطلاعات سابق سازند. گاهی نقشه‌نگاران لوحه‌های خود را می‌فروختند، و خریداران با تعویض نام و انجام تغییرات جزئی، از همان لوحه‌ها نقشه‌های جدیدی به وجود می‌آوردند. از سال ۱۸۰۰ لوحه فولادی معمول شد، چه برای حکاک‌کی روش استفاده از تیزاب (اسید) تکمیل شده بود. برای این منظور لوحه مسی یا فولادی را با لایه‌ای از لعاب یا لاک ضد اسید می‌پوشانیدند، و تصویر را با سوزن بصورت آینه روی لاک می‌بریندند، و بعد روی آن اسید می‌ریختند. اسید کار قلم حکاک را انجام می‌داد. با این روش می‌توانستند با ظرافت بیشتری کار کنند و نقشه‌ها و تصاویر دقیقتری تولید نمایند. تقلید و جعل این گونه نقشه‌ها بسیار مشکل است، زیرا از طریق عکسبرداری (چاپ نقطه‌ای) عملی نیست، و اگر بخواهند روشهای قدیمی را عیناً تکرار کنند، مقرون به صرفه مالی نیست.

در قرن نوزدهم روش لیتوگرافی (Lithography) معمول شد، و برای آن از لوحه مسی یا فولادی استفاده می‌شد. در این روش تصویر با جوهر مخصوصی، که آب به خود نمی‌گرفت، روی لوحه منعکس می‌شد. لوحه را نم می‌زدند. قسمت‌های جوهری که نم نگرفته بود مرکب را می‌گرفت، و قسمت‌های نم‌دار مرکب نمی‌گرفت. بنابراین فقط

تصویر مرکب می‌گرفت، و برای چاپ دیگر نیازی به حکاکی نبود. این روش در قرن بیستم تکمیل شد و با استفاده از فیلم و صفحه‌های حساس، صنعت چاپ فعلی را به وجود آورد. نکته قابل ذکر دیگر در ارتباط با چاپ نقشه‌های جغرافیایی این است که بعضی از این نقشه‌ها، از جمله بسیاری از نقشه‌های دریایی (Sea Charts)، برای دوام بیشتر، روی چرم چاپ می‌شد. در وهله اول به نظر می‌رسد که اکثر این نقشه‌ها، بعلمت دوام چرم، باید از گزند حوادث مصون مانده و تا به امروز حفظ شده باشد. متأسفانه همین دوام و مرغوبیت چرم سبب از بین رفتن این نقشه‌ها شده است، چه به علت بالا بودن قیمت چرم، بعد از آن که اطلاعات جغرافیایی کهنه می‌شد، چرم را می‌شستند و به مصرف دیگری می‌زدند. چرم پردوام در این مورد نقش شاخ زیبای گوزن را در هلاکت وی بازی کرده است.

#### مکتب نقشه‌نگاری هلند

بعد از جلوه نقشه‌نگاران ایتالیا و آلمان در دوران رنسانس، دوره شکوفایی نقشه‌نگاران هلندی (هلند بزرگ) از اواخر قرن شانزدهم شروع می‌شود و تا اواخر قرن هجدهم، یعنی حدود دو یست سال، ادامه می‌یابد، و نقشه‌نگاری کلاسیک اروپایی در این مکتب به اوج خود می‌رسد.

#### مرکاتور

اگر بطلمیوس را سقراط علم جغرافی و نقشه‌نگاری بدانیم، مرکاتور (Gerard Mercator) را باید هم‌ردیف دکارت و یاکانت قرار دهیم. مرکاتور در سال ۱۵۱۲ در بلژیک (قسمتی از هلند بزرگ) متولد شد، و با صرف تمام عمر خود و کار و زحمت بسیار، نقشه‌نگاری را بر اساس جدید علمی استوار کرد. تصویر (Projection) سطح کره زمین روی یک صفحه مسطح، با مدارهای افقی و نصف النهارهای عمودی، از اوست. مرکاتور خطاطی قابل بود و خط لاتین شکسته (Italic) را که جنبه تزئینی دارد، در نقشه‌ها معمول کرد. او را در سال ۱۵۴۴ به اتهام «کفر و زندق» زندانی کردند، ولی بعد از چهار ماه آزاد شد، و از بلژیک به دوئیسبورگ آلمان مهاجرت کرد، تا از دست متعصبین و بنیادگرایان مذهبی در آلمان باشد. مرکاتور در ۱۵۷۰ آخرین ردیف جغرافیای بطلمیوسی را، با اصلاحات و اضافاتی، منتشر ساخت، و این مجموعه تا سال ۱۷۳۰ به دفعات تجدید چاپ شد. او در عین حال نقشه تمام کشورهای جهان را، بر اساس اطلاعات جدیدی که از جهانگردان و نقشه‌برداران (Surveyors) و سفرنامه‌نویسان به دست آورده بود، دوباره ترسیم کرد، و اطلس بزرگ و جدیدی به وجود آورد که قسمت

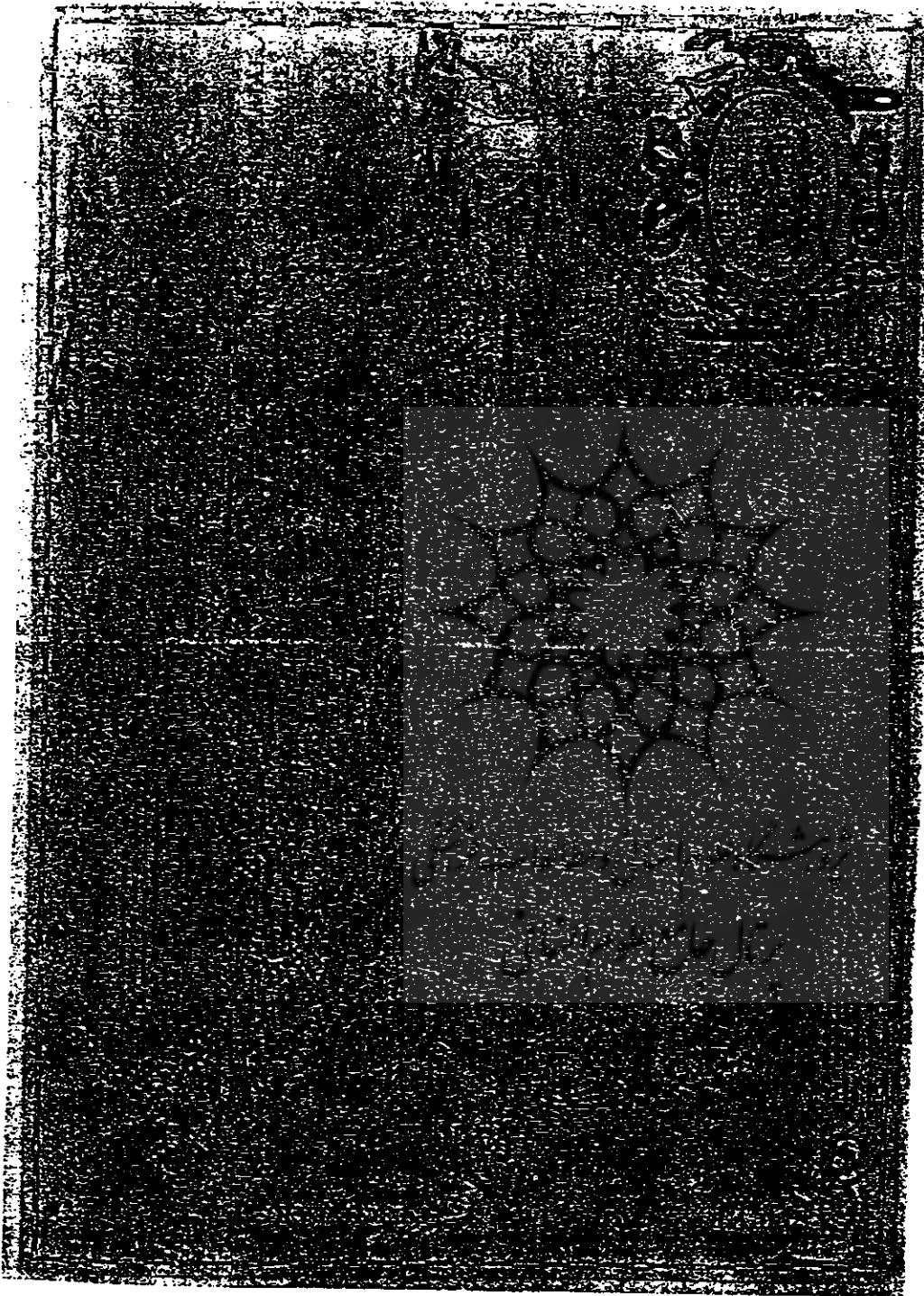
اول آن در سال ۱۵۸۵، و قسمت دوم در سال ۱۵۸۹ منتشر شد. ولی مرگ به او فرصت نداد که اطلس خود را تکمیل کند، و در سال ۱۵۹۴ درگذشت. فرزند او رومولد (Rumold) دنباله کار پدر را گرفت و یک سال بعد از مرگ مرکاتور، در سال ۱۵۹۵، «اطلس مرکاتور» را کامل و جامع منتشر ساخت. هندلیوس (Jocodus Hondius) همکار مرکاتور در سال ۱۶۰۴ وارد مؤسسه او شد، و اولین اطلس جدید و کامل شده مرکاتور را در ۱۶۰۶ منتشر نمود. این اولین اطلس مرکاتور است که نقشه تازه‌ای (غیر بطلمیوسی) از ایران دارد. جانسون (Jan Jansson) در ۱۶۳۰ به این مؤسسه پیوست و نام اطلس را به «اطلس مرکاتور- هندلیوس- جانسون» تغییر داد و تا سال ۱۶۶۶ چندین بار آن را تجدید چاپ کرد.

عنوان نقشه ایران در این اطلسها (چاپهای ۱۶۰۶ تا ۱۶۶۶) معمولاً «پرشیا و امپراطوری صفوی» است. باید در نظر داشت که حکومت صفویه، به فاصله کمی بعد از اختراع چاپ، در سال ۱۵۰۲، شروع شد و ۲۳۴ سال، یعنی تا ۱۷۳۶ ادامه یافت. به این ملاحظه است که حتی بعد از انقراض صفویه و استقرار افشاریه و زندیه، هنوز نقشه‌های ایران در غرب عنوان «امپراطوری صفویه» را شامل بود.

#### ارتلیوس

ارتلیوس (Abraham Ortelius) هم‌عصر مرکاتور بود. شهرت عمده او در ابداع و انتشار اولین اطلس جغرافیایی، بسمعیای مجموعه هماهنگی از نقشه‌های عموم ممالک جهان، است. نقشه‌های اطلس با مقیاس و مشخصات و توضیحات هماهنگی ترمیم می‌شود. در حالی که مجموعه ساده فقط حاوی تعدادی نقشه است که با هم ارتباط چندانی ندارد.

ارتلیوس در ۱۵۲۸ در آتورس (هلند بزرگ) متولد شد. اطلس معروف او که در سال ۱۵۷۰ و قبل از اطلس مرکاتور منتشر شد، «اطلس تمام دنیا» (*Theatrum Orbis Terrarum*) نام دارد، و شامل نقشه‌های جدیدی است که او از نقشه‌نگاران مختلف گرفته است. اطلس ارتلیوس با موفقیت بی نظیری روبرو شد، و تا سال ۱۶۱۲ چندین بار، و به چند زبان مختلف، تجدید چاپ گردید. این اطلس از همان ابتدا شامل نقشه زیبایی از ایران بود. در پشت نقشه شرح مفصلی در مورد کشور ایران و امپراطوری صفوی و صفات و حالات ایرانیان درج است که ارزش تاریخی دارد. در این شرح ارتلیوس از ایرانیان (*Persians*) بعنوان مردمی نجیب و طرفدار علم و دانش یاد می‌کند و آنان را بزرگواری میهمان‌نواز می‌خواند، و در مقایسه با ترکان عثمانی از هر حیث برتر و والاتر می‌داند. در



تصویر ۱ - اولین نقشه چاپی جدید کلاسیک ایران (غیر بطلمیوسی) که در سال ۱۵۷۰ به وسیله اورتلیوس (Ortelius) در اولین اطلس جغرافیایی عالم آمده است.

این نقشه برای اولین بار اسامی جدید شهرها و مناطق مختلف ایران، مانند قزوین (Caswin) و ری (Rei) و طبرستان (Taperistan) و بسیاری اسامی تازه غیر بطلیمیوسی دیگر به چشم می خورد.

#### فامیل بلا

فامیل بلا (Blaeu) معروفترین و موقوتترین خانواده‌ای در هلند بود که درخند نسل بی درپی هنر و صنعت نقشه‌نگاری را به اوج خود رسانید. دوره آنان را باید دوره طلایی نقشه‌نگاری کلاسیک اروپا دانست. زحمات و مقدمه چینیهای مرکاتور و ارتلیوس و بعضی دیگر در این دوره به ثمر رسید. «اطلس بزرگ بلا» (Atlas Major) در دوازده جلد، حاوی حدود ششصد نقشه، با کاغذ مرغوب و چاپ عالی و آخرین اطلاعات جغرافیایی و زیباترین تصاویر تاریخی و هنری، رنگ شده و تذهیب شده، با جلد چرمی در سال ۱۶۶۲ در هلند منتشر و زینت بخش تالارهای پذیرایی سلاطین و دوکها و ژنرالها و اعیان و اشراف اروپا شد. میهمانان در پذیراییهای رسمی ساعتها با تماشای این اطلس سرگرم می شدند. اخیراً چاپ عکسی اطلس مذکور انتشار یافته است و به بیش از دو هزار لیره انگلیسی فروخته می شود. نسخه‌های قدیمی و اصیل این اطلس اگر ندره در حراجیهای مهم ارائه شود، به قیمتهای موزه‌ای به فروش می رود.

نقشه ایران در این اطلس شبیه به نقشه‌های مرکاتور و ارتلیوس است. در کارتوش (منظور از کارتوش (Cartouche) در نقشه‌نگاری کادر کوچک ترین شده‌ای است که معمولاً در یکی از گوشه‌های نقشه قرار دارد، و داخل آن «عنوان نقشه» و یا «توضیحاتی» نوشته شده است) گوشه‌چپ پایین، عکس شاه عباس کبیر با دو تن از سربازان او دیده می شود. به نظر می رسد که نقاش به ایران سفر کرده و شاه عباس و سربازان او را از نزدیک دیده و سپس به نقاشی صورت و لباس و اسلحه ایشان پرداخته است. هلند را در نقشه‌نگاری باید با ایران در شعر و شاعری و یا آلمان در فلسفه و موسیقی مقایسه کرد. نقشه‌نگاران هلندی بسیارند، و ذکر نام و کارهای آنان، و نقشه‌هایی که از ایران منتشر کرده‌اند، از حوصله این مقاله خارج است، و ما برای نمونه به ذکر نام چند نفری از آنان اکتفا می کنیم.

- دو ویت (De Wit)، تاریخ انتشار نقشه ایران ۱۶۸۰ - نقشه او به نقشه بلا شبیه است.
- واندر آ - آ (Pierr Vander AA)، تاریخ انتشار نقشه ایران ۱۷۱۴.
- شینک (Pieter Schenk)، تاریخ انتشار نقشه‌های ایران ۱۷۲۲ و ۱۷۳۰.
- باشین (Bachiene)، تاریخ انتشار نقشه ایران ۱۷۲۲ و ۱۷۳۳.



## مکتبهای دیگر اروپایی در نقشه‌نگاری

فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها در قرن هجدهم و نوزدهم بتدریج در نقشه‌نگاری جانشین هلندیها شدند، زیرا دولتهای آنان، با نیروی عظیم دریایی و مستعمراتی که در سراسر عالم فراهم کرده بودند، اطلاعات جغرافیایی وسیع و جدیدی به دست آوردند، و به تهیه نقشه‌های تازه‌ای پرداختند. اهمیت کشور ایران، چه از نظر موقعیت جغرافیایی، و چه از جهت تاریخی و فرهنگی و اقتصادی، سبب شد که هر نقشه‌نگاری، نقشه‌ای از ایران تهیه کند. فهرست کامل اسامی این نقشه‌نگاران مفصل است، و شرح جامع کارهای ایشان و نقشه‌هایی که از ایران تهیه کرده‌اند، امری ست بزرگ که هنوز انجام نشده است، و اگر قرار باشد کاری در حدود کار یوسف کمال در مورد نقشه‌های قدیمی کشور مصر، انجام شود، نیاز به سالها مطالعه و بودجه‌ای هنگفت است. این چنین کار خطیری از حدود توانایی یک شخص خارج و در خور مراکز فرهنگی ست.

در این مقاله مختصر ما فقط به ذکر چند نفری از بعضی مکتبهای نقشه‌نگاری

اروپایی، بعنوان نمونه می‌پردازیم:

## مکتب فرانسه

• سانسون (Sanson) معلم جغرافی لویی چهاردهم بوده است. او نقشه زیبایی از ایران در اطلس «نقشه‌های عمومی تمام قسمت‌های زمین» در سال ۱۶۸۰ منتشر کرده است.

• دوئیل (De l'Isle)، نقشه مفصلی از ایران در «اطلس جغرافیا» در سال ۱۷۰۰ انتشار داده است.

• لوروز (le Rouge) مهندس و نقشه‌نگار سلطنتی فرانسه بود. در سال ۱۷۶۵ نقشه ظریفی از ایران طبع کرد.

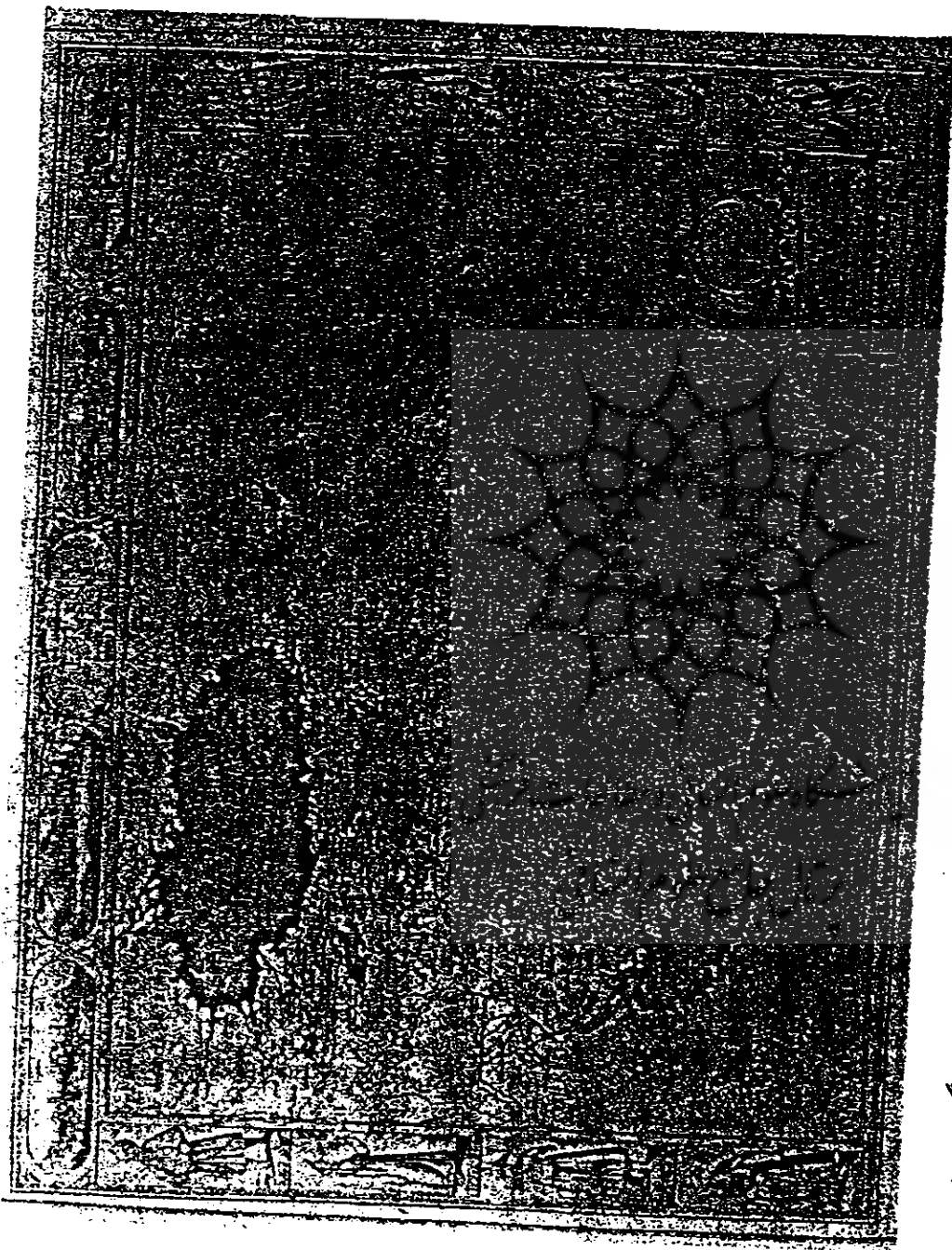
• بُن (Rigobert Bonne) در سال ۱۷۷۱ نقشه‌ای از «امپراتوری پارس» منتشر ساخت.

## مکتب انگلستان

اسپید (John Speed) معروفترین نقشه‌نگار کلاسیک انگلیس است. نقشه‌ای که او با عنوان «پرشیا» در سال ۱۶۳۱ منتشر کرد، شاید زیباترین نقشه قدیمی ایران باشد. منظره‌ای از چهار شهر اصفهان، هرمز، تبریز و گیلان [به نظر می‌رسد که منظور رشت است] در حاشیه بالای نقشه دیده می‌شود. در حاشیه راست و چپ نقشه تصویر رزن و مرد اشرفی و شهری و روستایی ایرانی نقش شده است. تعادل بین اطلاعات جغرافیایی و قسمتهای فرهنگی و تزئینی در این نقشه قابل ملاحظه است، و چون تعادل



تصویر ۶ - نقشه ایران که در سال ۱۶۲۷ بسویبۀ اسپیا (Speed) معروفترین نقشه‌نگار کلاسیک انگلیسی منشر شده است. تصاویری از چهارشهر ایران در حاشیۀ بالای نقشه دیده می‌شود.



از رده

۱۷

نقشه

کتاب

های

ایران

منظور

برزن

سات

مادل

- یکی از عوامل مهم زیبایی ست، می‌توان گفت که نقشه اسپید زیباست.
- مِل (Moll) اصلاً آلمانی ست. در سال ۱۶۷۸ به انگلستان آمده و در ۱۷۳۲ درگذشته است. نقشه‌ای از او در سال ۱۷۵۰ منتشر شده است که ایران و مناطق همجوار را نشان می‌دهد، و توضیحات زیادی روی نقشه یادداشت شده است. از جمله در قسمت تاتارستان می‌نویسد: «در هیچ منطقه دیگری از جهان ریواس به این فراوانی به دست نمی‌آید، ولی سفر کردن در این منطقه [تاتارستان] خطرناک است، چه اگر شما را اسیر کنند تا آخر عمر بصورت برده نگاه می‌دارند.»
  - بوئن (Emanuel Bowen) مقیم لندن بوده و برای ژرژ سوم پادشاه انگلیس و لوئی پانزدهم پادشاه فرانسه کار کرده است. اطلس کامل او در سال ۱۷۵۲ منتشر شد. این اطلس شامل نقشه جالبی از ایران است.
  - گیسن (John Gibson) - در سال ۱۷۷۰ نقشه‌ای از ایران انتشار داد.
  - رولس (George Rolles) - در سال ۱۷۷۰ نقشه‌ای از ایران طبع کرد.
  - کیچین (Kitchin) - نقشه ایران ۱۷۸۲.
  - کری (John Cary) - نقشه ایران ۱۸۰۱ - در این نقشه راههای ایران ترسیم شده است.
  - تومسون (Thomson) اهل اسکاتلند بوده و در سال ۱۸۲۱ نقشه‌ای از ایران جزو «اطلس جدید عمومی» منتشر کرده است.
  - راسل (Russel) - نقشه ایران ۱۸۲۳.
  - لایزارد (Daniel Lizard) اهل اسکاتلند بوده و نقشه‌ای از ایران در سال ۱۸۳۰ جزو اطلس تاریخی خود منتشر کرده است.
  - تالس (Tallis) مبتکر نقشه‌های ارزان بوده و نقشه‌ای از ایران در سال ۱۸۵۰ با روش لیتوگرافی منتشر کرده است.
  - لانگ (Long) در سال ۱۸۵۶ نقشه‌ای از ایران انتشار داد که دارای لغتنامه مختصری برای استفاده جهانگردان است.
  - کیث (Keith) نقشه‌ای در سال ۱۸۸۰ از ایران طبع کرده و هر دو نام پرشیا و ایران را در آن آورده است.
- مکتب آلمان بعد از ناس
- اولتاریوس (Olearius) دیپلمات آلمانی در سال ۱۶۴۶ نقشه جالبی از ایران و مناطق همجوار منتشر کرده است. عنوان نقشه او «پرشیا» ست.
  - کلورویوس (Cluverius) اهل داننریک (جزو لهستان امروز) بوده و در سال

۱۶۷۰ نقشه ایران را انتشار داده است.

- رلاندر (Adrian Reland) اهل نورنبرگ - نقشه ایران ۱۷۲۰.
- لُهمَن (J.B. Homann) در سال ۱۷۳۷ نقشه کامل و جالبی از ایران جزو «اطلس بزرگ» خود منتشر کرده است.
- سویتزر (Seuter) نقشه ایران را در سال ۱۷۳۰ منتشر کرده است. داماد او لوتر (Lotter) نیز نقشه مشابهی در سال ۱۷۵۱ طبع کرده است. این دو نقشه دارای کارتوش بسیار زیبایی است که یکی از بازرگانان ایران را نشان می‌دهد. لباس و کالاهای این بازرگانان قابل دقت و مطالعه است.

#### مکتب ایتالیا بعد از رنسانس

● کانتلی (Cantelli) - نقشه ایران ۱۶۷۹.

● تیریون (Tirion) - نقشه ایران ۱۷۴۵.

● زتا (Zethae) - نقشه ایران ۱۷۸۴، جزو اطلس چهارجلدی.

باید دانست که نقشه نگاران سایر کشورها نیز نقشه‌های بسیاری از ایران منتشر کرده‌اند، ولی چون هدف این مقاله ارائه فهرست کامل و یا حتی ناقص نقشه‌های قدیمی ایران نیست، به ذکر چند نقشه‌نگار بالا اکتفا می‌شود.

سوآلی که معمولاً برای همه پیش می‌آید این است که چه مؤسسات و محافل به نقشه‌های قدیمی علاقه‌مندند و مورد استفاده این نقشه‌ها چیست.

#### دوستانان نقشه‌های قدیمی و موارد استفاده این نقشه‌ها

● چنان که گذشت بسیاری از مدیران مؤسسات مالی و اداری و صنعتی و فرهنگی، بویژه در کشورهای پیشرفته، از نقشه‌های قدیمی برای ترین اطاق کار خود استفاده می‌نمایند، و در این موارد معمولاً نقشه‌ای را انتخاب می‌کنند که از نظر جغرافیایی و یا نوع کار با ایشان ارتباطی داشته باشد. در نظر این مدیران، نقشه‌های اصیل قدیمی از نقشه نگاران بنام، بر تابلوهای کم ارزش نقاشان گمنام، برتری دارد، و چه بسا که قیمت آن نیز عادلانه‌تر است. پای این گونه نقشه‌ها در سالهای اخیر به منازل نیز باز شده است، و برای ترین کتابخانه‌های کوچک شخصی بکار می‌رود.

● نقشه‌های قدیمی برای تحقیقات مردم‌شناسی، مانند نوع لباس و آرایش اشخاص در قدیم، مورد استفاده است. موزه‌های مردم‌شناسی و تهیه کنندگان فیلمها و ترتیب دهندگان جشنواره‌های تاریخی از خریداران جدی این نقشه‌ها هستند. در کتابخانه پادشاهی ویندسور (The Royal Library of Windsor) نقشه‌هایی موجود است که آرایش کامل نظامی بعضی از جنگهای قرن هفدهم و هجدهم را نشان می‌دهد. در



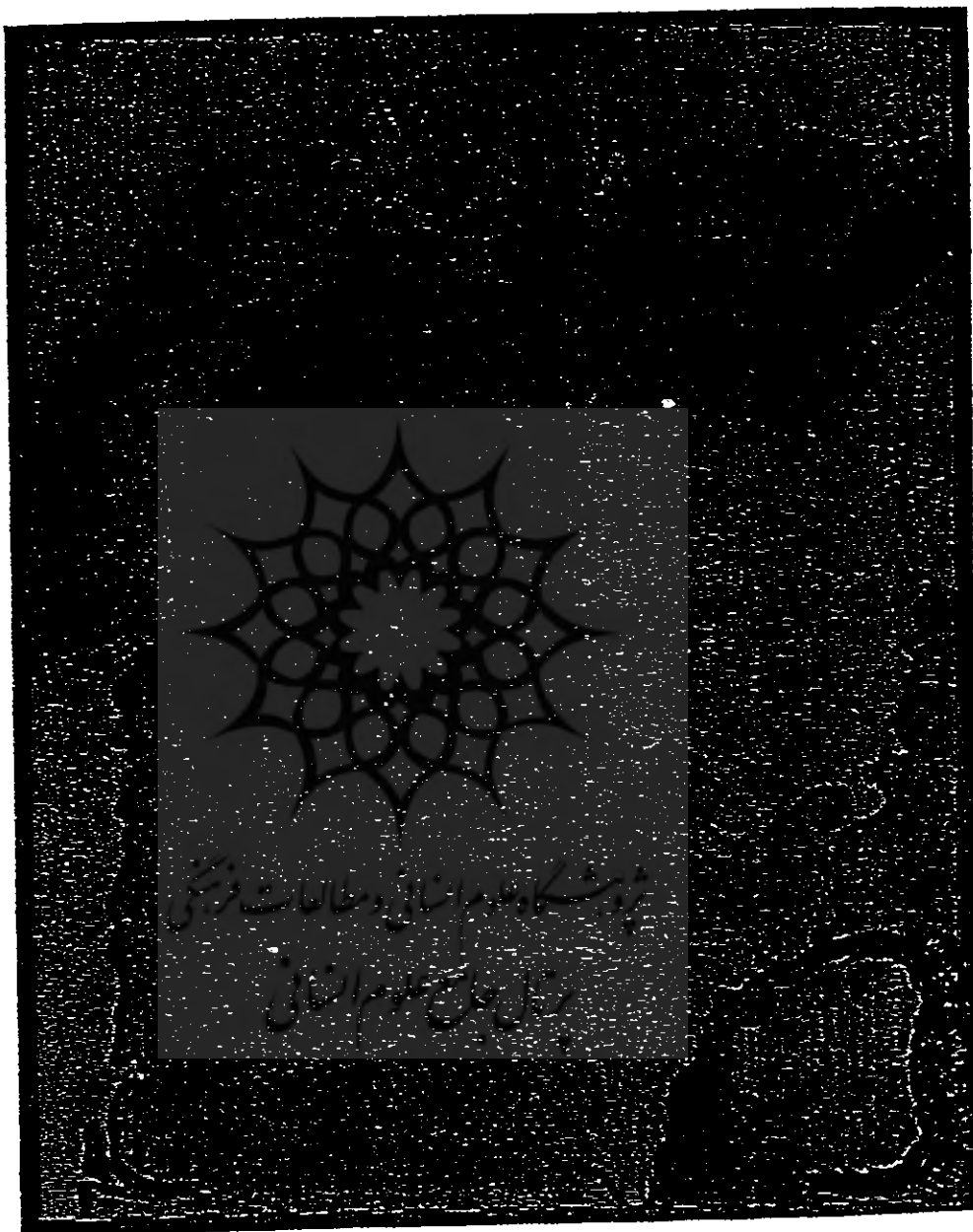
تصویر ۷ - نقشه زمبابوی از ایران که توسط سویتز (Seutter) آلمانی در ۱۷۳۰ در اطلس جدید (Atlas Novus) به طبع رسیده است.



تصویر ۸ - کارتوش نقشه سویتزر که یک بازرگان ایرانی و یک نثر منجم و نقشه‌نگار را نشان می‌دهد.

تصویر ۷ -  
به طبع رسیده است.

کتابخانه ملی و موزه تاریخ طبیعی ایران



نمبر ۹ - نقشه ایران که بسویله کانپلی (Canelli) نقشه نگار ایتالیایی در سال ۱۷۸۱ منتشر شده است.  
 تصویر شاه عباس کبیر در بالای کارنوش نقشه دیده می شود.

یکی از این نقشه‌ها هزاران سرباز، هر یک با لباس و اسلحه مخصوص خود و در جای خویش، ترسیم شده‌اند. دقت این نقشه به حدی است که از روی آن می‌توان به آسانی لباس و اسلحه سربازان را، از جمله برای تهیه فیلم تاریخی جنگهای سابق، نوسازی کرد.

● موزه‌ها طبعاً از مهمترین خریداران نقشه‌های دست‌نگار و نقشه‌های چاپی کمیاب هستند.

● کتابخانه‌های مهمی که مورد استفاده دانش‌پژوهان می‌باشند، و کتابخانه‌های دانشگاهها، بزرگترین خریداران نقشه‌ها و اطلسهای قدیمی را تشکیل می‌دهند. کتابخانه کنگره آمریکا (The Library of Congress)، واقع در شهر واشنگتن، که با حدود هشتاد میلیون قطعه (کتاب و نقشه و غیر آن) بزرگترین کتابخانه جهان محسوب است، حدود چهار میلیون نقشه و پنجاه و یک هزار اطلس و هشت هزار فهرست نقشه و سیصد و پنجاه کره جغرافیایی و دو هزار نقشه سه بُعدی (برجسته) در اختیار دارد، و این بزرگترین مجموعه نقشه را در نه هزار متر مربع ساختمان مناسب جای داده است. هر ساله پنجاه هزار نقشه و یک هزار اطلس به این مجموعه عظیم اضافه می‌شود. بخش ترمیم و محافظت نقشه‌های قدیمی و تکنیک‌هایی که برای شستن اسید از بعضی نقشه‌های کهنه بکار می‌رود تماشایی است. نقشه‌ها و اطلسهای قدیمی بخش مهمی از مجموعه بالا را تشکیل می‌دهد.

کتابخانه بریتانیا (The British Library) که قرار است در سال ۱۹۹۳ به محل جدید خود منتقل و در ساختمانی واحد که بزرگترین و تازه‌ترین و مجهزترین تک ساختمان کتابخانه جهان است، مستقر شود، هر چند با بیست و هشت میلیون قطعه کوچکتر از کتابخانه کنگره آمریکا است، ولی از نظر مجموعه کتابها و نقشه‌های بسیار قدیمی و نفیس، برتر از کتابخانه مزبور است. این کتابخانه متجاوز از دو هزار اطلس قدیمی و دو میلیون نقشه در اختیار دارد.

کتابخانه بودلین آکسفورد (The Bodleian Library of Oxford) یک میلیون نقشه را در خود جای داده است.

عموم کتابخانه‌های تحقیقی و دانشگاهی در سراسر جهان مجموعه‌ای، کوچک یا بزرگ، از نقشه‌های قدیمی در اختیار دارند و به تشکیل نمایشگاه و سمینارهای علمی می‌پردازند. متأسفانه نگارنده، با کمال علاقه‌ای که دارد، اطلاعات صحیحی از مجموعه نقشه‌های کتابخانه‌های مهم ایران مانند کتابخانه ملی و مجلس و سنا و پهلوی سابق و دانشگاه طهران و سایر دانشگاههای ایران ندارد که بتواند آمار و ارقامی در این مقاله

مجله ایران شناسی، سال چهارم

به دست بدهد. ولی شکی نیست که کتابخانه های مزبور و دیگر کتابخانه های مهم ایران مجموعه های نفیسی در این مورد در اختیار دارند. طبق اظهار یکی از آقایان افسران ارتش ایران نقشه مورد استفاده البوکراک سردار پرتغالی که در اوائل قرن شانزدهم به خلیج فارس آمد و جزیره هرمز را تصرف کرد، در کتابخانه دانشکده افسری نگاهداری می شود.

● مؤسسات جغرافیایی و نقشه نگاری، از نظامی و کشوری و خصوصی، طبعاً بمناسبت کاری که دارند، مجموعه هایی از نقشه های قدیمی نگاه می دارند، و از خریداران دائمی این نقشه ها هستند.

● اخیراً مؤسسات تبلیغاتی و انتشاراتی نیز به خرید تعدادی از نقشه های قدیمی پرداخته اند. از چاپ عکسی این نقشه ها برای تهیه کارتهای پستی و هدیه های تبلیغاتی، و به طور کلی در تبلیغات، استفاده فراوان می شود.

● مجموعه داران (Collectors)، بوژه در پنجاه سال اخیر، از خریداران عمده این نقشه ها محسوبند. این گروه در هر منطقه یا کشوری، انجمن دوستداران نقشه های قدیمی را تأسیس کرده اند، و به برگزاری سمینارها و کلاسها و ترتیب نمایشگاهها و بازدیدهای علمی و کنفرانسهای مختلف و نشر مجله های تخصصی پرداخته اند. انجمن دوستداران نقشه های قدیمی بریتانیا پیش از ششصد نفر عضو دارد.

● با موجود بودن این همه علاقه مند و دوستدار نقشه قدیمی، طبعاً بازاری برای خرید و فروش این نقشه ها به وجود آمده است و دلالتی (Dealers) در این زمینه به فعالیت مشغولند. چون تعداد نقشه های قدیمی ثابت، و بنابراین عرضه آن محدود است، و چون با ازدیاد خریداران، بوژه بعد از خاتمه جنگ دوم، تقاضا مرتباً افزایش یافته است، قیمت تجاری این نقشه ها قوس صعودی پیموده و در بعضی موارد، مانند نقشه های قدیمی امریکا و ژاپن، چند ده برابر شده است. با اقداماتی که برای حفظ اطلسهای قدیمی و جلوگیری از اوراق کردن آنها شروع شده، بنظر می رسد که سیر صعودی قیمتها با شتاب بیشتری ادامه یابد. بنابراین بُعد اقتصادی و تجاری را نیز باید به ابعاد فرهنگی و تاریخی و هنری نقشه های قدیمی اضافه کرد.

اکتبر ۱۹۹۱، لندن

● در این مقاله تاریخها عموماً میلادی است. سه های هجری قمری با «ه» و هجری شمسی با «ش» مشخص شده است.



## Bibliography

(All the references are in English unless otherwise described)

- Booth J.; *Looking at old Maps*; The Blackmore Press; 1979
- Brown L.A.; *The Story of Maps*; Dover Publications; 1977
- Browne E.G.; *A History of Persian Literature*, 4v.; Cambridge University Press; 1908-1924
- Dih-Khudā A.A.; *Lughat-Nāmeḥ* (Lexicon); Persian; Fascicle 96; Teheran 1964  
دهخدا، لغت‌نامه
- Encyclopaedia Britannica*; The University of Chicago; ed. 1981.
- Encyclopaedia of Islam*; New Edition; Leiden; 1960-87
- Harvey P D A; *Medieval Maps*; The British Library; 1991
- Hodgkiss A; *Understanding Maps*; Dawson; 1981
- Ibn-Hawqal; *Sūrat al-Arḍ*; translated into Persian from the Arabic manuscript of late 11th century by Dr. Shear J. Teheran 1966  
ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه دکتر شمار
- Idrisi M; *Nuzhat al-Mushtāq ft Ikhtirāq al-Āfāq* (Kitāb-i- Rujar); Arabic; Rome 1592  
ادریسی، نزهت المشتاق فی اختراق الآفاق
- Imago Mundi; *The Journal of the International Society for the History of Cartography*; Issues 1-43
- IMCoS Journal; *The Journal of the International Map Collectors' Society*, UK, Issues 1-48
- Istakhri I; *Masalik va Mamālik*; Anonymous Persian Translation from Arabic in 11th or 12th Century, edited by I. Afshar; Persian; Teheran 1961  
امطخری، ممالک و ممالک
- Koeman C; *Atlantes Neerlandici*; General Publishing Co. 5 V; Amsterdam 1967-1971
- Kramers J H; *Analecta Orientalia*; 2 V; Leiden 1951-1965
- Lloyds A B; *The Story of Maps*; General Publishing Co.; Canada 1979
- Map Collector (The); *A Quarterly Periodical*; Map Collector Publications Ltd; Issues 1-57
- Miller K; *Mappae Arabicae*; German; Stuttgart 1926
- Mo'in M; *Farhang-i Fārsi* (A Persian Lexicon); Persian; 6 V; Teheran 1963-66  
معین، فرهنگ فارسی
- Moreland C & Bannister D; *Antique Maps*; Longman Group Ltd; 1983
- Nordenskiöld A E; *Facsimili Atlas to the Early History of Cartography*; Stockholm 1973 (first published 1889)
- Ouseley W; *The Oriental Geography of Ibn Hawqal*; London 1800
- Ouseley W; *Travels in Various Countries of the East*, More Particularly Persia; London 1819
- Phillips P L & Le Gear C E; *A List of Geographical Atlases in the Library of Congress*; 7V, Washington 1909-1973
- Potter J; *Antique Maps*; Country Life Books; 1988
- Pourkamal M (Chief Editor); *Historical Atlas of Iran*; English-Persian; Teheran University Press and National Geographic Centre; Teheran 1971  
اطلس جغرافیایی ایران
- Ptolemaeus Claudius; *Cosmographia*; Bologna 1477; (Facsimili with Introduction by Skelton R A, 1963)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی